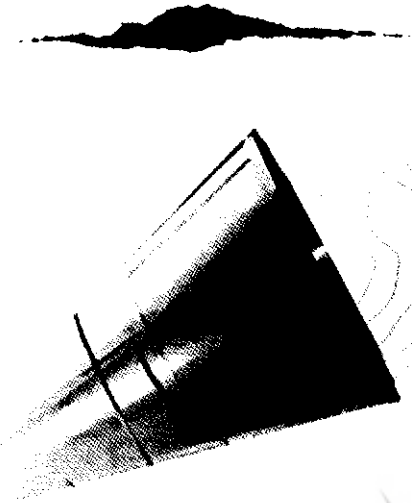


# نقلهای مجموعه‌وار و مشهور

سید محمد موسوی



سخنان که مرتبط با محرم، عاشورا و امام حسین علیه السلام است، اشاره می‌شود. ۱. «إِنَّ كَانَ دِينٌ مُّحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِيمْ...»

این سخن که به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است، یک بیت از یک قصیده است که توسط شاعری به نام «شیخ محسن ابوالحبّ حویزی» سروده شده است. او از شعرا و خطبای کربلا بوده و در سالهای ۱۲۳۵-۱۳۰۵ ه.ق، زندگی می‌کرده است.

شیخ محسن حویزی حائری، معروف به «ابوالحبّ حویزی» از شاعران شیعه و دارای دیوان شعری به نام «الحائریات» است و در آنجا چنین

بعضی از مقتل نگاران و روضه خوانان، سخنان بسیاری را به امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین نسبت داده‌اند که هرگز سند و مدرکی برای آنها نمی‌توان یافت. بعضی از آن سخنان با اینکه غیر مستند و جعلی‌اند و محققان، آنها را رد کرده‌اند، بسیار مشهور و متداول نیز هستند و از آنجا که مقبولیت عام یافته‌اند، برخی پژوهشگران و نویسندگان بنام معاصر نیز آنها را مسلم‌الصدور پنداشته، بدون تأمل و تحقیق، در آثار خود به عنوان سخنی از سخنان معصومین علیهم السلام آورده‌اند. در این نوشته به برخی از این

سروده است:

أَعْطَيْتُ رَبِّي مَوْثِقًا لَا يَنْتَهِي

إِلَّا بِقَتْلِي فَاضْمَعِدِي وَدَرِينِي

إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِم

إِلَّا بِقَتْلِي يَا سُيُوفَ خُدْرِينِي<sup>۱</sup>

۲. «إِنْ سُقُونِي شَرِبْتَهُ مِنَ الْمَاءِ...»

این سخن نیز که به امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است، از هر گونه سند و مدرکی محروم است و محتوا و مفهومی کاملاً توهین آمیز و ذلت بار دارد و در کتابهای معتبر و قابل اعتماد نیامده است. متن ساختگی این سخن نیز خود، بهترین گواه بر جعلی بودن آن است. شهید مطهری رحمته الله علیه در این باره می گوید:

«این قدر تشنگی ابا عبدالله علیه السلام زیاد بود که وقتی به آسمان نگاه می کرد، بالای سرش را درست نمی دید. اینها شوخی نیست. ولی هرچه در مقاتل گشتم (آن مقداری که می توانستم بگردم) تا این جمله معروفی را که می گویند ابا عبدالله علیه السلام به مردم گفت: «إِنْ سُقُونِي شَرِبْتَهُ مِنَ الْمَاءِ؛ یک جرعه آب به من بدهید»، ببینم، ندیدم. حسین علیه السلام کسی نبود که از آن مردم

چنین چیزی طلب بکند، فقط یک جا دارد که حضرت در حالی که حمله می کرد «وَهُوَ يَطْلُبُ الْمَاءَ»، قرائن نشان می دهد که مقصود این است: در حالی که داشت به طرف شریعه فرات می رفت (در جستجوی آب بود که از شریعه بردارد) نه اینکه از مردم طلب آب می کرد.»<sup>۲</sup>

۳. «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي...»

برای این سخن بسیار مشهور نیز که به امام حسین علیه السلام نسبت داده می شود، سند و مدرکی یافت نشد. معنا و مفهوم سخن، چنان می نماید که روضه خوانان برای گریاندن مردم آن را از زبان امام حسین علیه السلام ساخته و پرداخته اند. سخنان مشابه و هم معنایی که در توجیه آن نقل می شود نیز در منابع مستند و قابل قبول یافت نشده است.<sup>۳</sup>

۴. «أَيَا شِمْرُ خُأَفَ اللَّهُ وَاحْفَظْ

قَرَابَتِي...»

در میان تحریفات عاشورا به تحریفی

۱. سیمای کربلا، ص ۲۱۶.

۲. حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۴۷۰.

گیرد، رحم کن و با آنها مهربان باش!» باید گفت: جعل کننده این آیات، تنها در همین بیت اخیر، جسارتها و توهینهایی را در حق حضرت سیدالشهداء علیه السلام روا داشته است، از جمله:

۱. با وجود امام سجاد علیه السلام، حریم و خانواده امام حسین علیه السلام را بی سرپرست و بدون کفیل خوانده است.

۲. از زبان امام حسین علیه السلام به حضرت سجاد علیه السلام، لقب علیل و بیمار داده است که ممکن است علت اشتهار حضرت سیدالساجدین علی بن الحسین علیه السلام، به نام «امام بیمار»، همین شعر منسوب به امام حسین علیه السلام بوده باشد.

۳. امام سجاد علیه السلام و اهل بیت امام حسین علیه السلام را از طرف امام حسین علیه السلام و از زبان آن حضرت، به شمر سپرده است!

##### ۵. تفسیر «کهنی‌عص»

در تفسیر و تأویل این کلمه، روایتی در کتاب «کمال الدین و تمام

۱. اسرار الشهادة، ص ۴۲۶؛ ادب الحسین و حماسته، ص ۴۶.

برمی خوریم که بسیار اهانت آمیز است. برخی نوشته اند: هنگامی که شمر بر سینه امام حسین علیه السلام نشسته بود و می خواست سر حضرت را از بدنش جدا کند، امام حسین علیه السلام به او گفت:

أَيَا شِمْرُ خَافَ اللَّهَ وَاحْفَظْ قَرَابَتِي

مِنَ الْجَدِّ مَنْسُوبًا إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ  
أَيَا شِمْرُ تَقْتُلُنِي وَحَنِيذِرَةَ أَبِي  
وَجَدِّي رَسُولَ اللَّهِ أَكْرَمَ مَهْدِي

وَفَاطِمَةَ أُمِّي وَالزَّكِيَّ ابْنَ وَالِدِي

وَعَمِّي هُوَ الطَّيَّارُ فِي الْجَنَّةِ الْخُلْدِيِّ  
شاعر این اشعار، پس از آنکه در دنباله شعر، از بانوان حریم حسینی (زینب، ام کلثوم، سکینه و رقیه) نام می برد، به سراغ امام سجاد علیه السلام می رود و با جسارت از زبان امام حسین علیه السلام به شمر بن ذی الجوشن می گوید:

أَيَا شِمْرُ إِزْحَمْ ذَا الْعَلِيلِ وَبَعْدَهُ

حَرْنِمًا بِلَا كَفَلٍ يَلِي أَمْرَهُمْ بَعْدِي<sup>۱</sup>

مراد این است که امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات عمر خود و در آن شرایط سخت، با زبان شعر به شمر گفت: «ای شمر، بر آن بیمار علیل که در خیمه هاست و بر خانواده بدون کفیل من که او باید سرپرستی آنها را به دست

النعمه» شیخ صدوق، صفحات ۴۵۴ تا ۴۶۵، ذکر گردیده که در بخشی از آن چنین آمده است:

«...راوی می گوید به امام زمان علیه السلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا، مرا از تأویل «کَهِيعَص» آگاه ساز. امام علیه السلام فرمود: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند بنده خویش زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله بیان کرده است. [اطلاع زکریا از این اخبار] به این سبب بود که وی از پروردگار خویش خواست تا نامه‌های پنج تن را به او بیاموزد. پس جبرئیل بر او نازل شد و آنها را به وی آموخت و [از آن پس] هرگاه زکریا، محمد، علی، فاطمه و حسن را یاد می کرد، اندوه او برطرف و گرفتاریش حل می شد و هرگاه از حسین یاد می کرد، گریه گلوی او را می گرفت و نفسش می برید. روزی گفت: خداوندا! مرا چه می شود که هرگاه چهار تن از آنان را یاد می کنم، با نام آنان اندوهم برطرف می شود، اما وقتی از حسین یاد می کنم، از چشمانم اشک فرو می ریزد و اندوه و درد مرا فرامی گیرد؟ در این هنگام خداوند او را از ماجرای حسین علیه السلام آگاه کرد و فرمود:

«کَهِيعَص؛ کاف آن یعنی کربلا، هاء آن یعنی هلاکت عترت [رسول]، یاء آن یعنی یزید بن معاویه که به حسین ستم کرد؛ عین آن عطش و تشنگی حسین؛ و صاد آن صبر اوست.»

محقق بزرگوار، شیخ محمدتقی شوشتری صاحب کتاب ارزشمند قاموس الرجال در اثر پربرابر دیگر خود به نام «الاخبار الدخيلة» ذیل عنوان «الباب الثاني في الاحاديث الموضوعه» حدیث مورد بحث را به عنوان اولین حدیث جعل شده، نقل کرده است.

محقق شوشتری بحثهای مفصلی در نقد و رد این خبر مطرح کرده و نه صفحه از کتاب خود را به انتقاد از این خبر اختصاص داده است و احادیث دیگری را ذکر کرده که همگی حاکی از این است که «کَهِيعَص» رمز و از اسمهای مقطعه خداست.

یکی دیگر از پژوهشگران نیز در این باره می نویسد:

«روایت مزبور دربردارنده امور نامأنوسی از این قبیل (تفسیر کَهِيعَص به کربلا) است که باید در آن تأمل ورزید... افزون بر این، سند روایت مشتمل بر برخی راویان متهم به دروغ پردازی در حدیث

است که «محمد بن مجد شیبانی» از جمله آنان به شمار می‌آید. وی از قائلان به تفویض و غالیان و از کسانی بود که در نقل حدیث به راویان ضعیف اعتماد می‌کردند.<sup>۱</sup>

استاد علی اکبر غفاری، مصحح کتاب کمال‌الدین نیز در ذیل روایت مورد بحث می‌نویسد:

«رجال سند این روایت، بعضی مجهول‌الحال و برخی دیگر مهمل هستند و متن روایت هم متضمن حرفهای غریبی است که بعید است از معصوم علیه السلام صادر شده باشد.»<sup>۲</sup>

در حاشیه کتاب «بحار الانوار» نیز چندین ایراد بر این خبر وارد شده که با جمله - فیه غرابه - شروع می‌شود.<sup>۳</sup>

۶. تحریف جمله‌ای از زیارت

### عاشورا

در زیارت عاشورا جمله‌ای است که چنین خوانده می‌شود: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ»،<sup>۴</sup> در این عبارت، تحریفی صورت گرفته است. صورت صحیح عبارت، باید یکی از دو شکل زیر باشد:

۱. «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي حَارَبَتِ

الْحُسَيْنِ»<sup>۵</sup>

۲. «اللَّهُمَّ الْعَنِ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَا حَدَّتِ»<sup>۶</sup>

الْحُسَيْنِ»<sup>۷</sup>

زیرا احتمال دارد راوی زیارت یا دیگران، هنگام شنیدن یا نوشتن و استنساخ کردن، دچار اشتباه شده باشند و عبارت صحیح «جا حدت» را به غلط «جاهدت» شنیده یا نوشته باشند.

اما احتمال بیشتر و نزدیک به واقع، همان صورت اول یعنی «حاربت» است که در روایت کامل الزیارات آمده است. کتاب شریف کامل الزیارات، نوشته فقیه و محدث جلیل‌القدر، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷ ق) علاوه بر اینکه کتابی بسیار معتبر و مستند و مورد عنایت و سزئه علمای شیعی است، قدیمی‌ترین کتابی است که متن زیارت

۱. اخبار ساختگی، هاشم معروف حسنی،

ص ۳۰۵.

۲. کمال‌الدین، ص ۴۵۴، پی نوشت.

۳. همان، ص ۴۵۷، پی نوشت.

۴. مفاتیح الجنان، ص ۸۱۰.

۵. کامل الزیارات، ص ۱۷۶؛ الاخبار الدخيلة،

ج ۴، ص ۲۵۴.

۶. «جحد» = انکار کردن، «جا حدت» = انکار

کردند، عناد ورزیدند.

۷. الاخبار الدخيلة، ج ۳، ص ۳۱۸.

عاشورا را آورده است. و نویسنده آن از همه نویسندگانی که متن مورد بحث را به صورت «جاهدت» نوشته‌اند، به زمان صدور روایت نزدیک‌تر بوده است؛ زیرا در میان منابع قدیمی و متقدم، تنها کتاب «مصباح‌المتجهج» نوشته شیخ طوسی (متوفای ۴۶۱ ق) است که عبارت را «جاهدت» آورده و مرحوم محدث قمی رحمته الله در مفاتیح الجنان و دیگران نیز آن را از مصباح شیخ گرفته‌اند. اما چنان که گذشت، ابن قولویه که یک قرن پیش‌تر از شیخ طوسی زندگی می‌کرده، همان عبارت صحیح «حاربت» را روایت کرده است.

با توجه به مفهوم و معنای هر دو کلمه «حاربت و جاهدت» نیز معلوم می‌شود که حق، همان عبارت «حاربت» است؛ چرا که جنایتهای دشمنان امام حسین علیه السلام را هرگز نمی‌توان «جهاد» خواند.

به تصریح معجمهای الفاظ قرآن و صحیفه سجادیه و نهج البلاغه و متون معتبری چون کُتب اربعه، کلمه «جهاد» و «مجاهد» و دیگر مشتقات آن، همیشه باری از قداست را در بردارد و در موارد مثبت جنگ به کار برده شده است. بنابراین هرگز نمی‌تواند درباره کُشدگان سیدالشهداء علیهم السلام

به کار برده شود.

بی‌تردید جنایت آنان محاربه بود و در عبارتهای متن خود زیارت عاشورا نیز همین معنا - یعنی «حاربت» - دیده می‌شود: «إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَزَبٌ لِمَنْ حَازَكُمْ»

در متن زیارتی که از امام صادق علیه السلام در روز عاشورا روایت شده است نیز همین معنای «حاربت» دیده می‌شود. امام صادق علیه السلام پس از ذکر مقدماتی برای زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، می‌گویند: «در همان مصلاهی خود توقف می‌کنی و هفتاد بار می‌گویی: «اللَّهُمَّ عَذِّبِ الدِّينَ حَارِبُوا سَلَّكَ وَشَاقِقُوكَ وَعَبَدُوا غَيْرَكَ...»<sup>۱</sup>

۷. «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا»

سخن فوق را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده‌اند ولی برای این حدیث مشهور سندی یافت نشده است؛ بلکه احادیثی در متون معتبر وجود دارد که با این سخن تعارض دارد. از جمله:

**الف) حضرت امام حسن**

۱. اقبال الاعمال، سید ابن طاووس، ج ۳، ص ۶۷.

می نماید که این عبارت، شعار یا شعری از شاعری وابسته به حزبی جنگ طلب باشد. معنا و مفهوم این شعار به فرقه های زیدیه، کیسانیه و یا اسماعیلیه بیشتر برازنده است تا به مذهب عدل علوی.

اصولاً در مذهب امامیه، «امامت» بیشتر به معنای «هدایت» است و امام بیش از هر چیز با علم و دانشش شناخته می شود؛ برخلاف «زیدیه» که امام در میان آنها نخست با خون و شمشیر شناخته می شود و به اعتقاد آنان، نخستین شرط و مهم ترین امتیاز در امامت و امام، همانا قیام مسلحانه و «قائم بالسیف» بودن اوست.

به میان کشیدن این سخن که بالاخره هر روز، حق و باطل در تخاصم و تعارض اند نیز مغالطه ای بیش نیست؛ چرا که در مقابله با باطل، آنچه همواره لازم و بایسته است، معرفت و دانش است، و حق همیشه با صراحت دانش و صداقت منطقی، پیروز و سربلند است. این امر در سیره پیشوایان دینی ما به وضوح دیده می شود.

۱. الامالی، شیخ صدوق، ص ۱۷۷.

۲. همان، ص ۵۴۷.

۳. نهج الحق و كشف الصدق، علامه حلی، ص ۳۵۶.

مجتبی علیه السلام در پیشگویی شهادت امام حسین علیه السلام به وی چنین فرمود:

«الْیَوْمَ کَتَبْتُ لَکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! ای اباعبدالله! هرگز روزی چون روز تو (عاشورا) نباشد.»

ب) امام سجّاد علیه السلام می فرماید: «الْیَوْمَ کَتَبْتُ لَکَ الْیَوْمَ الْیَوْمَ الْحُسَیْنِ! هرگز روزی مانند روز حسین (عاشورا) نباشد.»

ج) علامه حلی نیز به نقل از احمد بن یحیی بلاذری (متوفای ۲۷۹ ق)، صاحب کتاب انساب الاشراف، نقل می کند که عبدالله بن عمر هم می گفت: «الْیَوْمَ کَتَبْتُ لَکَ الْقَتْلَ الْحُسَیْنِ! هرگز روزی مانند روز شهادت حسین علیه السلام (عاشورا) نباشد.»

با این همه جای بسی شگفتی است که آن سخن ساختگی (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) بدون اینکه سندی داشته باشد، پیوسته به امام صادق علیه السلام نسبت داده می شود و برخی حتی آن را با تفصیل بیشتری چنین نقل می کنند: «کُلُّ یَوْمٍ عَاشُورَا وَکُلُّ اَرْضٍ کَرْبَلَا وَکُلُّ شَهْرٍ مُّحَرَّمٌ وَکُلُّ فَضْلِ عَزَا»، غافل از اینکه برای این سخن هرگز مدرکی (حتی به صورت مرسل و مقطوع یا ضعیف و سست) یافت نشده است. چنان